

خدایانوان باروری در جهان باستان

صدرالدین طاهری^۱، محمود طاوسی^۲

۱ - کارشناس ارشد گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

۲ - استاد گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

خدایانوان باروری، ایزدان محافظ حاصلخیزی و ناظر بارداری و تولد در بسیاری از تمدن‌های چندخایی هستند. گرچه اندیشه یافتن کاربرد آثار بدست آمده از مردمان پیش از تاریخ، راهی جز به گمان نمی‌برد؛ اما با تکیه بر اساطیر به جای مانده از عهد تاریخی و داستانهای فولکلوریک، می‌توان کارکرهای زیر را برای پیکرکهای خدایانوان باروری برشمودر:

۱. تجسم ایزدیانوی مورد پرستش در منطقه، که غالباً خدای زمین و آبها و در ارتباط با عشق، باروری و حاصلخیزی است.

۲. استفاده در آیینهای باروری زمین، دام و انسان، آیین‌های بلوغ، درمان‌بخشی زنان سترون و یاری بانوان به هنگام زایمان.

۳. نماد مادر، برای قرار دادن در مقابر کودکان درگذشته و همراهی آنان در سفر پس از مرگ. این نوشтар به بررسی خدایانوان مرتبط با حاصلخیزی در میانرودان و شرق میانه، آنانوی، مدیترانه، اروپای پیش از تاریخ، اژه و یونان، رم، اسکاندیناوی، ایرلند، آفریقا، مصر، هند، چین، ژاپن، قاره آمریکا و سرزمین‌های شمالی می‌پردازد.

کلید واژگان: ادیان، اساطیر، خدایانوان باروری، مادرمرکزی، چرخش فصول.

۱- مقدمه

مثالاً در میان بومیان دیری در جنوب شرق استرالیا تا سال ۱۸۰م. نیز هر فرد نسب از مادر خویش می‌برد [۳، ص ۲۹]. یا در ژاپن تا اواخر قرن ۸م. زنان بر ایالات فرمانروایی می‌کردند و امور سیاسی را در دست داشتند [۴، ص ۷۱۲].

بار معنایی اصلی «مادرمرکزی» (Matriarchy) نه تنها قدرت زنانه، که قدرت زن به عنوان مادر است. قدرت زنانه به سبب جایگاه مادری زن در اجتماع بدوی اعطا می‌شود [۵، ص ۲۶۳].

بسیاری از باورها، جشن‌ها و مراسم دینی در ارتباط با نیازهای اقتصادی بشر شکل گرفته‌اند؛ مانند نیاز به محصول و رمه‌ی بیشتر برای سیر ماندن؛ و فرزند بیشتر برای یاری در کاشت، حراست از زمین و نیرو بخشیدن به خانواده و قبیله در هنگام جنگ.

بخشی از این مناسک در میان تمدن‌های باستانی مشترکند؛ مانند رقص غله که در هنگام کاشتن بذر با افشاراندن خون قربانی حیوانی یا حتی انسانی و دفن جسد او در زمین بایر انجام می‌گیرد،

توبین بی می‌گوید: «مادر کهترین سوژه هنری انسان است» [۱، ص ۳۵]. یکی از نمونه آثاری که فراوان در کاوش محوطه‌های پیشاتاریخی به آن برمی‌خوریم، پیکرکهای گلی یا سنگی با اندام‌های ساده شده است که با تأکید بر وزنگی‌های زنانه ساخته شده‌اند. باستان‌شناسان زمانی این تندیس‌ها را ونوس می‌نامیدند، اما از آنجایی که نام خدایی رمی نمی‌توانست گویای خصوصیات این اشیاء راز پوشیده باشد، امروزه آنها با عنوان کلی الهه باروری (Fertility Goddess) شناخته می‌شوند.

برخی از انسان‌شناسان بر آنند که در دوره‌های کهن، جامعه ابتدایی زیر سلطه زنان بوده است و «مادرتباری» بازمانده آن دوران، یعنی «مادرسالاری» است [۲، ص ۲۵]. تغییر ساختار مادرمرکز جوامع پیش از تاریخ اغلب به سبب یورش بیابان‌گردان پدرمرکز بوده است؛ اما نشانه‌هایی از آن دوران هنوز در کلام ما باقیست، چنانکه از «زبان مادری» و «مام میهنه» سخن می‌گوییم. این نظام در میان جوامعی که دیرتر پا به دوران تاریخی نهاده‌اند هم قابل پیگیری است.



در می‌آید. این ماجرا احتمالاً به آیین «تکلیم تو» باز می‌گردد که در ماه تموز (جون/جولای) انجام می‌گرفت و طی آن مجسمه‌ای از تموز به حمام برده می‌شد، تدهین می‌گردید و در نینوا در معرض تماشای عموم قرار می‌گرفت [عرص ۹۸].

یک ستون یادبود (تصویر ۶) از دوره آشور نو (سده هشتم ق.م.) که بر روی آن تصویر الهه ایشتار نقش شده، در تل برسیپ پایتخت پادشاهی آرامی بیت ادینی یافت شده. ایشتار همزمان ایزدبانوی عشق و جنگ است. او را ایستاده بر ارابه‌ای که با هفت شیر نر کشیده می‌شد؛ با کمانی در دست تصویر می‌کردند. در وروک او را خدایانوی عشق، زیبا و لطیف اما هوسباز و زودخشم می‌دانستند. در سومر ایشتار مظہر ستاره‌ی زهره بود [ع، ص ۱۵۸].

شاید او از گان استر، استار و ستاره بازمانده از نام این الهه باشد.

اشنان در اساطیر سومری ایزدبانوی غلهای و خواهر لهار خدای رمه است، که با لهار به ستیز برخاست و سرانجام پیروز شد [ع، ص ۶۶]. **آوروو** خدامادر سومری بود که انکیدو را از گل آفرید [ع، ص ۴۷]. **نین لیل** (تصویر ۷) در سومر خدابانوی هوا بوده است [ع، ص ۱۰]. **نانشه الهه** مادر شهر نینا در سومر بوده؛ او با ماهیگیری، عدالت و باروری ارتباط داشته است [۱۰].

در اساطیر قوم هیتی، داستان چرخش فضول و نوزایی زندگی بر خلاف سایر تمدن‌ها به خدایی نرینه (تلپینو) منسوب می‌گردد. ایزدبانوی بزرگ هیتیان **ایناراس** است که اژدهای ایل لویان را می‌فریبد و می‌کشد [۱۱، ص ۱۳۴].

تعدادی تندیس‌های مرمرین زنانه (تصویر ۸) در مقابر اختصاصی دوره حسونا (حدود ۶۰۰۰ ق.م.) از تل سوان، ساحل خاوری دجله یافت شده است. پیکره‌هایی که در کنار خردسالان قرار دارد را می‌توان نماد مادرانی دانست که کودک را در دنیا پس از مرگ همراهی می‌کنند. اما تندیس‌هایی نیز در مقابر بزرگسالان یافت شده‌اند. برهنه‌ی این پیکره‌ها بیش از نمایش جاذبه زنانه به سبب نیروی حمایتگرشنان در قالب سنتی الهه مادر است. این تندیس‌های بسیار کهن باروری و حاصلخیزی نقشی مرکزی در تصور نخستین جوامع کشاورز شرق نزدیک ایفا می‌کرده‌اند [۱۳].

تندیس‌هایی از سفال رنگین (تصویر ۹)، با اندام‌های اغراق شده از فرهنگ نوسنگی حلف (حدود ۶۰۰۰ تا ۵۱۰۰ ق.م.) باقی مانده است. فرهنگ حلف با ساخت سفالینه‌های رنگین شناخته می‌شود، نیز با پیکره‌های ویژه باروری، که برهمه و با دستانی حلقه شده به دور پستان‌ها طراحی شده‌اند. تأکید در ساختار این پیکره‌ها

یا تقدیم اولین محصول نوبت از میوه یا غله یا فرزند به خدایان، یا پرستش گاو نر و بز ماده و دیگر حیوانات و مراسم نمایشی ازدواج خدایان با خدایانوان حاصلخیزی که به وسیله هنرپیشگان صورت می‌گیرد [۳، ص ۱۷].

اکنون به بررسی خدایان مادینه در فرهنگ‌های باستانی و تندیس‌های منسوب به آنان می‌پردازیم. از آنجا که رهگیری این تندیس‌ها در ایران نیاز به مجالی گستردگتر دارد، این نوشتار تنها خدایانوان مورد پرستش در خارج از محدوده فرهنگی ایران را مدنظر دارد.

۲ - میانرودان و شرق میانه

نخستین مادرخدای ذکر شده در منابع سومری **تیامت** (تصویر ۱) است که در قالب خدای آبهای شیرین به همراه آپسو، نسل بعدی خدایان را می‌آفریند [ع، صص ۵۶ - ۵۷]. **تیامت** و **لشکر** وی بعدها توسط خدای جوان مردوك مغلوب می‌شوند که می‌توان آن را تغییر یک حکومت مادرمرکز محلی بر اثر یورش بیابان‌گردان دانست. دیگر خدای بزرگ مادینه، سومریان **اینانا** (تصویر ۲) است که طبق کتیبه پیروزی آنوبانی نی پادشاه لولویان او را بر دشمنانش فاتح می‌سازد؛ [۷، ص ۵]. **حامی زندگی** و **مظہر باروری** و **زاینده گیاهان** (تصویر ۳)، که داستان رفتن او به جهان زیرین تحت سلطنت خواهresh برای یافتن محبوش دوموزی را با گردش سالیانه فضول و بازیابی حیات مربوط می‌دانسته‌اند. هر سال بهار سالگرد ازدواج اینانا و دوموزی برای بیدار کردن طبیعت خفته در ایسن پایتخت سومر جشن گرفته می‌شد [۸، ص ۱۵۸].

این داستان در منابع بعدی به **ایشتار** (تصویر ۴) منسوب گردیده که به دنبال تموز به دنیای زیرین، به فرمانروایی خواهresh **ارشکیگال** هبوط می‌کند. برهنه‌ی او با وجود داشتن ردایی پشمی در یک حجاری (تصویر ۵) از ماری (متعلق به ۲۵۰۰ تا ۲۴۰۰ ق.م.) یادآور مشهورترین اسطوره مرتبط با اوست، او هفت دروازه بی بازگشت زمین را پشت سر نهاد و در عبور از هر در ناچار شد بخشی از لباسها یا تزییناتش را به جا نهاد. بدینگونه قدرتش را از دست رفته و خوبیشتن را اسیر دنیای مردگان یافت و زندگی بر زمین رو به نابودی نهاد. او که برای یافتن محبوب درگذشته‌اش تموز آمده بود، از آن پس هر بهار با بازگشت به زمین باروری را تضمین می‌کرد [۹]. ایشتار بهای آزادی خود را با از دست دادن تموز می‌پردازد که در آینده در جهان زیرین ماؤ خواهد گزید، وی هر سال یکروز به زمین باز می‌گردد و در آن روز مراسمی به اجرا

زمین و کشاورزی بود، العزی باکره جنگجو و نماد ستاره صبح بود و المنات پیرزنی که سرنوشت و مرگ را تعیین می‌کرد [۱۲].

۳ - آناتولی

تندیس‌های کوچک (تصویر ۱۸) آناتولی (از حدود ۶۰۰۰ تا ۵۵۰۰ ق.م.) با منحني‌های کاملاً زنانه، نشان‌دهنده باروری زنانه و نماد حاصلخیزی خاک هستند. شاید این تندیس‌ها در یک مراسم مذهبی رمزی باروری مورد استفاده قرار می‌گرفته است [۱۵، ص ۱۳۶].

جامعه کشاورز ساکن چتل هویوک نیز تعداد زیادی از این خدایانوان تولید کرده‌اند (تصویر ۲۰ و ۱۹) که به رواج پرستش خدای مادینه حاصلخیزی در این منطقه دلالت دارد. تکرار نگاره‌های زنان در غارهای پیش از تاریخ آناتولی نشان می‌دهد که در آنجا زن، سمبول برکت و موجودی مقدس و زاینده محسوب می‌شده است [۱۶، ص ۲۷]. در حاجیلار در دوره نوستنگی جدید تندیس‌هایی زنانه ساخته شده که برخی از آنها کودکی را به آنوش کشیده‌اند. از دوره کالکولتیک نیز ریتون‌های سفالینی به شکل زن باردار یافت شده است [۱۶، ص ۲۳۹]. در حسن اوغلان پیکره سیمین یک الهه برهنه از اواخر هزاره سوم ق.م. به دست آمده که با آذین‌های زرین زینت گردیده است [۱۶، ص ۲۵۸].

۴ - مدیترانه

دوران کالکولتیک (هزاره ۴ تا ۳ ق.م.) در قبرس، خاصه در غرب جزیره که هفت گونه مجسمه از سنگ یا گل به دست آمده است؛ با پیکره‌های باروری شناخته می‌شود (تصویر ۲۱). تندیس‌های سنگی، زن برهنه‌ای را با دستان چلپایی تصویر می‌کنند. تندیس‌های گلی اشکال گوناگونی دارند که به آمیزش، تولد و شیردهی اشاره می‌کنند. قبرس در سنت کلاسیک زادگاه آفروdisت/ونوس شناخته می‌شد. قدرت باروری زنانه برای هزاران سال در این منطقه ستایش شده است [۱۸].

تندیسی که به نام بانوی تریکومو شناخته می‌شود (تصویر ۲۲)، به دوره سپیرو - آرکاییک II (سده ۶ ق.م.) باز می‌گردد. به احتمال زیاد او الهه بزرگ قبرس است. تزیینات غنی این تندیس شامل سرپوشی از حلقه‌های گیاهان و گلی که به دست دارد؛ سنت‌های شمايل نگاری محلی را نشان می‌دهند که از یونان و شرق تأثیر گرفته‌اند. او از آخرین نمونه‌های شناخته شده تندیس‌های زنانه قبرس است که به ایزدانوی بزرگ، فرمانروای

آشکارا برای نشان دادن حاصلخیزی در ریختی زنانه است. تندیس‌های ایزدانوی مادر، به عنوان تضمین گر نوسازی پیوسته زندگی؛ در جوامعی که بر پایه فرآوری محصولات طبیعی بنا می‌شند، اهمیتی ویژه داشته است [۹].

در اساطیر اوگاریت (تختگاه فینیقیه در هزاره دوم ق.م.) شاپاش ایزدانوی خورشید است که مشعل خدایان نامیده می‌شود. آشه راه بانوی دریاست که با بعل می‌جنگد، و شفق و فلق فرزندان او و خدای بزرگ ال هستند [۱۱، ص ۱۰۹]. پیکره‌هایی از آشه راه (تصویر ۱۱ و ۱۰) از سده‌های دهم تا هفتم ق.م. در فلسطین یافت شده‌اند.

استارته همذات اینانای سومری و ایشتار آشوری، ایزدانوی فینیقیان و فلسطینیان بوده است. او بر باران بارور کننده نظارت داشت و تجسم زهره و ماه بود. گاه خدایانوی باکره انگاشته می‌شد و گاه به عنوان مادر - خدا حامی زنان باردار بود. او نیز برای یافتن بعل به سرزمین مردگان می‌رود [۸، صص ۵۴-۵۵]. یک ساغر سفالی به دست آمده از اوگاریت (تصویر ۱۲)، از سده ۱۴ تا ۱۳ ق.م. با صورت آرایش شده زنانه‌ای تزیین گردیده که اطرافش را طره‌های گیسو پوشانده‌اند. جام در مقبره بانوی ثروتمند یافت شده که احتمالاً بخشی از اسباب آرایش زنانه، و نشان‌گر الهه محافظ زنان است که بدانان قدرت اغواگری می‌بخشیده است [۹].

آناث خواهر بعل دیگر خدایانوی بزرگ اوگاریت است. او در حالی که خود را با سرخاب و حنا آراسته است دست به قتل عام همه دشمنان بعل می‌زند. سپس دست و سر کشتگان را چون گردنبندی بر گردن خود می‌بندد [۱۱، ص ۱۱۱]. هیکسوس‌ها او را با خود به مصر بردن، او حامی جنگجویان و اسلحه آنان بود. بعلت در بوبلوس (شمال سوریه) و بلیت در آشور همسر بعل، خدایانوان حاصلخیزی و کشاورزی بوده‌اند. دیگر الهه اوگاریت نیک کال (تصویر ۱۳) ایزدانوی حامی میوه‌های زمینی است [۸]. در شهر ماری سوریه نیز تندیس‌هایی (تصویر ۱۴) از خدایانوان باستانی به دست آمده است [۱۴، ص ۴۱].

مامی (تصویر ۱۵) الهه‌ای مار به دست است که بابلیان می‌پرستیده‌اند. سیبدوری (تصویر ۱۶) الهه شراب بابلیان بوده است [۱۲].

در عربستان قبل از اسلام سه دختر ایل، اللات (تصویر ۱۷) **اللات** و **العزی** ستایش می‌شند [۸، ص ۱۶۷]. اللات الهه بزرگ



نامیده می‌شوند. در نظر انسان کرتی مادر لاهوتی نماینده سراسر حیات است؛ حیات گیاهی، انسانی و حیوانی [۲۲، ص ۱۷]. تندیسی از زنی که کودکی را به آغوش کشیده یا او را شیر می‌دهد؛ یکی از روش‌های نمایش ایزدبانوان محافظ مادری است. این پیکره‌ها گاه خود الهه را باز می‌نمایند، و زمانی مادری با فرزندش را که برای قرار یافتن در سایه حمایت ایزدان دعا می‌خواند یا برای بارور شدن پیشکشی به آنها اهدا می‌کند؛ مثل تندیسی (تصویر ۳۶) که از گورستان تاناگرا در یونان (۵۵۰ ق.م.) به دست آمده است [۲۳، صص ۹۰ - ۸۹].

در اساطیر یونان نخستین الهه باروری گایا (تصویر ۳۷) خدایانوی بزرگ زمین است که در فرآیندی شبیه به داستان نبرد تیامت و مردوک جای خود را به پسر و همسرش اورانوس خدای نرینه آسمان می‌دهد. در نسل بعدی خدایان، رئا همسر کرونوس وظیفه حمایت از باروری و حاصلخیزی را به عهده دارد [۴، ص ۷۰]. پس از اینکه تایتان‌ها خدایی را به زئوس و خواندنش (خاندان یا خانواده؟) وا می‌نهند، هرا (تصویر ۳۹ و ۳۸) ملکه آسمان می‌گردد. کوهستانیان قدیمی یونان هرا را می‌پرستیدند و روایات مادرپرستان باستانی درباره او فراوان است، در حالیکه زئوس خدای قبایل مهاجم شمالی، پدرپرست بود و برای اینکه مکان خود را در کشور مغلوب مستحکم سازد هرا را به عقد ازدواج خود درآورد [۳، ص ۸۱]. هرا پشتیبان ازدواج بود و محبت خاصی نسبت به زنان شوهردار نشان می‌داد [۲۴، ص ۳۳].

هستیا (تصویر ۴۰) عنوان ایزدبانوی نگهبان کاشانه و الهه اجاق را دارد [۸، ص ۴۴]. و تضمین باروری را الهه غلات دیمتر به عهده می‌گیرد. دختر او گول یا کوره، بذر بود که می‌مرد و دفن می‌شد و بار دیگر حیات می‌یافت [۸، ص ۳۵]. کشتزار و محل خرمن کوبی پرستش گاه دیمتر بود که امکان داشت هر لحظه در آنها حاضر شود [۸، ص ۶۲]. وقتی پرسیفون دختر دیمتر (تصویر ۴۱) توسط هادس دزدیده شده و در دنیای مردگان حبس می‌گردد؛ او برای بازگرداندن زمین را ترک می‌گوید و بدین ترتیب داستان چرخش فصول یونانی شکل می‌گیرد. هنگامیکه آتیک به تصرف پیاده‌نظام خسایارشا در آمده بود و یونانیان در ساحل و دریا درگیر جنگ بودند تشریفات جشن الثوسي که آتنی‌ها هر سال برای دمتر و پرسیفون برگزار می‌کنند، بدون توجه به جنگ دنیال می‌شد، به گونه‌ای که ایرانیان را به هراس انداخت [۲۵، ص ۹۴].

پانشون خدایان قبرس در هزاره نخست ق.م. تعلق دارد. تزیین پیش از حد تجملی او، نشان‌گر اغواگری زنانه و یادآور نقش او به عنوان الهه باروری و باززاینده حیات پس از زمستان است [۱۹، صص ۱۶۵ - ۱۶۴].

در مالت تندیس‌های زنانه‌ای (تصویر ۲۴ و ۲۳) به دست آمده که به نام و نووس مالت شناخته می‌شوند [۲۰]. کارتازی‌ها هم به الهه‌ای معتقد بودند که باروری و حاصلخیزی زمین را تضمین می‌کند (تصویر ۲۵) و به عنوان مردمانی سوداگر تصویر او را بر روی سکه‌های خود ضرب می‌کردند [۲۱].

۵- اروپای پیش از تاریخ

تندیس‌های به دست آمده از دوران پیش از تاریخ اروپا را ۱۰ تا ۱۵ هزار سال قبل از میلاد تاریخ نهاده‌اند. و نووس لاسال (تصویر ۲۶) یکی از نخستین نمونه‌های یافته شده است. و نووس ویلندورف (تصویر ۲۷) پیکره کوچک اندام زنیست که از چندین شکل تقریباً گویی‌مانند ساخته شده است. و نووس لسپوز (تصویر ۲۸) و سردیس ملقب به نووس باراسمپوی (تصویر ۲۹) از دیگر نمونه‌های یافته شده هستند [۱۰].

مبالغه در نمایش اندام‌ها حکایت از آن دارد که این پیکره‌ها به عنوان بتهای حاصلخیزی و باروری مورد استفاده بوده‌اند. آنچه هنرمند غارنشین مجسم می‌کرده زن نبوده، بلکه باروری بوده است [۱۷، ص ۳۸]. رخسار این پیکره‌ها محو و مدور است، ولی شکم و پaha و سینه‌های آنها زیاده از حد بزرگ و فربه دیده می‌شود که نشانه سحر باروری و ازدیاد نفوس بوده است [۳، ص ۹].

۶- اژه، کرت و یونان

از ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م در جزایر سیکلادی دریای اژه شبیه‌سازی‌های برنهای از زن‌هایی به دست آمده که دست‌هایشان را در ناحیه شکم روی هم نهاده‌اند (تصویر ۳۱ و ۳۰). این بتهای تخت الوار مانند، در اندازه‌های متفاوت، (از چند سانتی‌متر تا اندازه طبیعی بدن) ساخته شده‌اند [۱۷، ص ۱۰۰]. الهه، باروری در کرت مرتبط با مار است و بیشتر تندیس‌های باروری این منطقه (تصویر ۳۴ و ۳۲) مارهایی در دست یا دور کمر دارند. پرستش این خدابانوان در دوران تمدن مینوسی نیز ادامه می‌یابد و تندیس‌های این دوره، الهه ماری (تصویر ۳۵)

ایلیتویا خدایانوی تولد و حامی قابل‌ها بود که حضورش را برای زایش نوزاد ضروری می‌دانستند [۸، ص ۱۶۹].

۷ - رم

پانtheon خدایان یونانی در رم نام‌های رمی یافتند و با خدایان اتروسکی آمیخته شدند. بدین ترتیب نام‌های گایا به **تِرو**، رئا به **سیپیل**، هرا به **جونو** (تصویر ۴۷)، هستیا به **وستا** (تصویر ۴۸)، دیمتر به **سِرس** (تصویر ۴۹)، آرتمیس به **دیانا** (تصویر ۵۰)، آتنا به **مینروا** (تصویر ۵۱)، آفرودیت به **ونوس** (تصویر ۵۲)، پرسیفون به **پروسِرپینه** و ایلیتویا به **یونولوکینا** بدل شدند. این ایزدبانوان در رم نیز وظایفی غالباً مشابه با یونان داشتند.

رومیان در ۱۵ مارس، در جشن فوریدیسیدیا ماده‌گاو آبستنی برای **تلوس** الهه مزارع قربانی کرده، به دست دختران باکره برای افزایش رویندگی محصول به خاک می‌سپردند. در ۱۹ آوریل مراسم جشن غله توسط کاهنان سرس برپا می‌شد و از هفتتم تا پانزدهم جون زنان در معبد وستا جشن می‌گرفتند [۳، ص ۱۰۱].
تندیس دیانا (تصویر ۵۳)، یافت شده در معبد آرتمیس/نانایا نشان‌گر تأثیرات دین رمی در دورا اورپوس سده دوم میلادی است. دیانا در این منطقه با نانایا خدای کهن میانرودانی تلفیق شد. این الهه جنگجو و مرتبط با پیروزی، حامی باروری نیز هست [۹].

۸ - اسکاندیناوی

تاسیتوس مورخ رومی از الهه‌ای صحبت می‌کند که قبایل ژرمی کنار دریای شمال او را می‌پرستیدند. نام این الهه **نُرتوس** بود که تاسیتوس آن را زمین مادر ترجمه کرده است. او برای پرستنگانش صلح و باروری به ارمغان می‌آورد [۲۶، صص ۳۳ - ۳۲].

دیگر ایزدبانوی بزرگ اسکاندیناوی **فریگ** همسر اودین خدای بزرگ است که سعی می‌کند فرزندش بالدر را با سوگند دادن تمام موجودات رویین تن کند [۲۶، ص ۶۳]. او را سوار بر ارابه محلی می‌پنداشتند که توسط گردهای زیبای هلپوش در آسمان حمل می‌شد [۳، ص ۱۱۷]. نام او بر روی پنجمین روز هفته (Friday) باقیمانده است. همسران اودین **فریگ** (زمین مزروع)، **یورد** (زمین غیر مسکون) و **رینگ** (زمین بخشیده زمستانی) هستند [۸، ص ۱۲۳].

وار نیز الهه‌ای مرتبط با ازدواج است که از سوگندها و توافقات خاص میان زنان و مردان حمایت می‌کند [۲۶، ص ۱۰۲].

یونیان روایتی دیگر نیز برای اسطوره چرخش فصل داشته‌اند که چنین است: آدونیس معشوق زیبای **آفرودیت**، پس از کشته شدن به دست آرس در زیر زمین عاشق پرسیفون شد، زئوس مقرر کرد که او شش ماه زیر زمین با پرسیفون (با یزد و زمستان) و شش ماه روی خاک با آفرودیت باشد [۸، ص ۳۶]. از میان فرزندان زئوس آفرودیت، **آرتمیس**، آتنا، و ایلیتویا به نوعی با باروری و حاصلخیزی در ارتباطند؛ آفرودیت در فنیقیه و آشور به شکل هرمی که دورادور آن مشعل‌های فروزان قرار داشت ستایش می‌شد و در مصر هم ذات با **هاثور** بود. آینین آفرودیت توسط فنیقیان به یونان وارد شده بود که با لقب نومفیا خدایانوی ازدواج، با لقب **گنتریکس** خدایانوی تولیدمی‌شود، با لقب پاندموس تجسم هرزگی، با لقب **هتاپیرا** حامی روسپیان و در آتن با لقب **اورانیا** نماد عشق آرمانی بود [۸، ص ۷۱]. آفرودیت بیش از هر ایزدی مورد ستایش هنرمندان قرار گرفته و به عنوان الگوی زیبایی زنانه و الهام‌بخش جمال‌پرستان، دست‌مایه آفرینش بسیاری از آثار هنری تا امروز بوده است (تصویر ۴۳ و ۴۲).

آرتمیس (تصویر ۴۴) بانوی وحش و میرشکار خدایان و مراقب کودکان نوزاد بود [۲۴، ص ۳۸]. چندین ایزدبانوی مختلف از خاستگاه شرقی به هم آمیخته‌اند تا اسطوره آرتمیس به وجود آمده است: **آناهید** پارسی، **بندیس** تراکیه (تصویر ۴۵)، **دوکر** تونای کرتی و...؛ از او برای باروری رمه‌ها و زنان استمداد می‌جستند. اما خود آرتمیس، مغور به بکارت ابدی خود بود و شکار و جنگ را بر ازدواج ترجیح می‌داد [۸، ص ۴۰].

آتنا (تصویر ۴۶) الهه شهر، پشتیبان زندگی متمدن، صنایع دستی و کشاورزی بود [۲۴، ص ۳۶]. او مسلح و با کلاه‌خود از جمجمه زئوس تولد می‌یابد. آتنا در کنار وظایف مردانه خود سعادت آتن را با حمایت از کشاورزی تأمین می‌کرد. اختراع بیوغ، خیش و شن‌کش به او منسوب است. همچنین کاشت زیتون در یونان به دست اوست. او حامی خانواده و ازدواج بود و بی‌وفایی شوهران را طلاقت نمی‌آورد. او به زنان آشپزی، پارچه‌بافی و سفال‌گری را می‌آموخت. آتنا در سراسر یونان و به خصوص در آتن بسیار محبوب بود. به افتخار او جشن‌های آهه روفوریا، اسکیروفوریا و پاناتئوس برگزار می‌شد که طی آن کاهنان و کاهنه‌ها، قاضیان و سلحشوران و دختران جوان، شاخه‌های زیتون به دست می‌گرفتند و رژه می‌رفتند و شیرینی‌هایی به شکل چوبیدست و مار (نمادهای حاصلخیزی و باروری) بین مردم پخش می‌شدند [۸، ص ۲۳-۲۵].



طرفین دختری جوان قرار می‌گیرند [۲۷، ص ۶۹]. آنا خدایانوی باکره سلتی بود که برکت و نعمت برای ایرلند می‌آورد. او در دوره ابتدایی مسیحیت با قدیسه آنا هم‌ذات شد [۸، ص ۹۸]. جشن ایمبلک که در روزهای اول و دوم فوریه در ایرلند برگزار می‌شد با پرستش بریئیت پیوند داشت که از زنان به هنگام زایمان محافظت می‌کرد، محصول آبجو را زیر نظر داشت و با شاعری و پیشگویی نیز مرتبط بود. بریئیت حتی پس از آن نیز که به عنوان قدیس در کلیسا کهنه ایرلند پذیرفته شد همچنان بسیاری از نقشهای باستانی خود را حفظ کرد [۲۷، ص ۶۹].

۱۰ - آفریقا

در باور اقوام کهنه آفریقایی نیز خدایانوان باروری و حاصلخیزی از احترام و قدرت فراوان بخوردارند. در مراسم تدیس زنانه‌ای یافت شده که ونوس تان تان (تصویر ۵۸) نامیده می‌شود [۱۰]. مردمان بنین تندیس‌هایی از عاج برای الهه باروری می‌سازند (تصویر ۵۹) [۲۸، ص ۲۵]. مردم دوگون مالی در مراسم تدفین از پیکره جده مورد نیایشان استفاده می‌کنند (تصویر ۶۰) [۲۸، ص ۳۱]. در سیرالئون و گینه تندیس‌های کوچک زنانه‌ای از سنگ یافت می‌شود که به آنها خدای برنج می‌گویند (تصویر ۶۱) [۲۸، ص ۳۲]. مردمان ایبو تندیس‌هایی برای بزرگ مادر زمین داشتند و هر سال در مراسمی که به تمنای افزایش باروری زمین برپا می‌کردند از آنها بهره می‌بردند (تصویر ۶۲) [۲۸، ص ۵۱]. تندیس تبر دو سر بالای سر زنی در حال شیر دادن کودک، نماد کیش شانگو (خدای طوفان) یوروپاهاست (تصویر ۶۳) [۲۸، ص ۵۲]. آنها هسته‌های مورد کاربرد در پیشگویی را درون ظروفی به شکل مادر با کودکی بر دوش نگه می‌دارند (تصویر ۶۴) [۲۸، ص ۱۴۸]. مردمان موسی صورت‌کهایی از بغلانوی زمین بر فراز یک بز کوهی برای مراسم تدفین و بارورسازی دارند (تصویر ۶۵) [۲۸، ص ۱۳۰]. مندهای سیرالئون تندیس‌هایی آیینی از پاسدار روح زن می‌سازند که دختران را برای زندگی زنانه آماده می‌کند (تصویر ۶۶) [۲۸، ص ۱۱]. آکوابا (تصویر ۶۸ و ۶۷) مادرخدای مردمان آشانتی در غنا است که او را بالای در خانه قرار می‌دهند. دادن تندیس‌های چوبی یا گلی او از سوی بزرگسالان قبیله به یک دوشیزه نشانه به جای آوردن آینین بلوغ وی و آمادگیش برای اجرای نقش مادر است [۲۹]. زنان باردار قبیله آشانتی عروسک‌های چوبی دخترانه‌ای را از پس پاچین خود می‌آویزند

ایدون خدایانوی دیگر زندگی و باروری در اساطیر اسکاندیناوی همسر برایه پسر او دین بود و از سیب‌های زرینی که به خدایان جوانی جاودانه می‌بخشید نگهبانی می‌کرد [۸، ص ۱۵۱].

۹ - ایرلند

ماخا ایزدیانوی باروری و حاصلخیزی بود که در ایرلند قبل از ورود سلت‌ها پرستش می‌شد [۸، ص ۱۹۱]. مهمترین کیش‌های سلتی به مادر - الهه‌ها مربوط می‌شد که بر فراوانی و رونق هم در زندگی و هم پس از مرگ سیطره داشتند. ازدواج پادشاه میرا با الهه زمین بود که حاصلخیزی ایرلند را میسر می‌ساخت. جشنواره‌های بزرگ سلتی، همگی با سال شبانی یا کشاورزی و شکوفایی محصول و حیوانات اهلی مرتبط بودند. آب نیروی حیات تلقی می‌شد، و کیش‌های آب وجه بر جسته‌های از دین سلتی به شمار می‌آمد [۲۷، ص ۶۳]. از درختان فراوانی غلات و بهبدی زراعت و افزایش رمه و حتی زایش زنان سترون را طلب می‌کردند. در برخی مناطق دختران نازا را به ازدواج درختان معینی در می‌آورند و معتقد بودند که آن زن باردار خواهد شد [۳، ص ۲۱]. پیکرک الهه باروری به دست آمده از کارونت، ولز جنوبی (تصویر ۵۴) ذرت و میوه در دست دارد [۲۷، ص ۶۴].

رفتار فصلی درختان برگریز، نوعی نظام نمادهای دوری را پدید می‌آورد که تمثیلی از زندگی، مرگ و ولادت دوباره بود. درختان تا اندازه‌ای به دلیل همین تصور بازیابی با کیش‌های باروری و طبیعت پیوند داشتند. مادر - الهه‌ها غالباً با درخت تداعی می‌شوند. محراب‌های اطراف رود راین در ناحیه بن که به مادر - الهه‌گان تقدیم شده‌اند، نمادهای درخت را بر خود دارند [۲۷، ص ۶۵]. الهه اسب اپونا (تصویر ۶۵ و ۵۵) بر روی سنگ نگاره‌ها در حالیکه میوه حمل می‌کند، نقش شده است. او ایزدیانویست که بر فراوانی محصولات کشاورزی نظارت می‌کند [۲۷، ص ۳۵].

در سلت این مادران هستند که به آشکارترین شکل ممکن، مفهوم باروری را مجسم می‌کنند. زمین - مادر که پدیدآورنده فراوانی بود برای سلت‌های اروپایی یکی از جنبه‌های بنیادین الوهیت به شمار می‌آمد. مادر الهی اغلب در هیاتی سه‌گانه تصویر می‌شد. از این الهه‌ها با عنوان دئامترس یا دئامترونه یاد می‌شود. همواره دو الهه سالخورده در طرفین یک دختر جوان قرار دارند و گویی سنین مختلف زنانگی را بیان می‌کنند. مادران راینی هنوز از الگوی شمایل یافته شده در منطقه راین (تصویر ۵۷) تبعیت می‌کنند که در آنها دو زن سالخورده با سربندهای متمایز در

تکه‌های اندام اوست، که به رستاخیز او زیرپس ختم می‌گردد. ایزیس اغلب در حال شیر دادن به هورووس کودک تصویر شده است (تصویر ۷۳). بر پاپیروسی از ۱۲۰۰ ق.م. که در موزه تورین نگهداری می‌شود آمده: «ایزیس زنی هوشمند بود... باهوش‌تر از خدایان بی‌شمار... او بر هر چیزی در زمین و آسمان آگاه بود» [۳۱، ص ۵۳]. این هوشمندی او در داستان رویاروییش با رع برای دریافتمن اسم اعظم آشکار می‌گردد. داستانهای ایزیس عناصری از قبیل وردهای شفابخش رایج در حیات روزمره مصریان معمولی، بیماری‌های متداول و ترس‌ها و تهدیدهای حاکم بر زندگی آنها را شامل می‌شود مانند مسایل مربوط به زایمان، تبهاء، سردردها و... بعضی از این افسونها جزء لاینکی از کتاب‌های راهنمای طبیبان بود و بالای سر بیمار خوانده می‌شد [۳۱، ص ۵۰]. ایزیس کشاورزی، آرد کردن غله، کتان‌رسی و بافتگی را به زنان یاد داد [۳۲، ص ۸۲]. ایزیس با نقش هلال ماه بر تارک یا با تاجی از نیلوفر آبی و خوش‌هایی از غله یا در حال حمل توده‌ای از میوه و غله نشان داده شده. او حامی کودکان در برابر بیماری‌هاست. حمایل یا کمرندهای ایزیس برای زنان مصر نماد زایایی و برخوردار شدن از قدرت مادی بود [۳۲، ص ۹۲].

نوت (تصویر ۷۴) خدایانوی آسمان به هیأت ماده‌گاوی ترسیم می‌شد که بر زمین کمان زده است [۳۲، ص ۳۳]. **تفنوت** (تصویر ۷۵) پدیدآورنده شبین و رطوبت است و از اشک چشمان وی که به زمین می‌ریزد گیاهان پدیدار می‌شوند [۳۲، ص ۶۷]. دیگر ایزدبانوی حاصلخیزی، خدای نیل **تاورت** (تصویر ۷۶) است که غالباً به صورت یک اسب آبی آبستن تصویر می‌شود [۳۱، ص ۳۷۴].

هاثور (تصویر ۷۷) الهای است که مصریان اسطوره‌ای مشابه با داستان اوگاریتی آناث در مورد وی داشته‌اند. هنگامیکه مردمان برعلیه رع توٹه می‌کنند ایزدبانو هاثور دست به قتل عام آنان می‌زند تا جایی که در خون غوطه‌ور می‌گردد. رع که مایل به نابودی کامل بشر نیست کشتزارها را با سیل آججی آکنده از گل اخرا به رنگ خون می‌سازد. هاثور از این شراب نوشیده و مست می‌شود و خشم خود از بشر را فراموش می‌کند [۱۱، ص ۹۸]. او در هیأت گاو ماده ستایش می‌شد و خدایانوی شادمانی و نماد مادری زنان بود، نیز خدایانوی رقص و موسیقی و نماد وی یک عود مصری بود. او بر وسایل آرایش زنان ترسیم می‌گردید (تصویر ۷۸) و به هیأت ماما و حامی زنان باردار شناخته می‌شد [۳۲، ص ۱۲۱].

(تصویر ۶۹) [۱۱۶، ص ۲۸]. زنان اورس در الجزیره در دوران بارداری گوشواره‌هایی به نام بوالارواح به گوش می‌بنند [۸، ص ۲۲۰]. این رسوم نشان‌دهنده اعتقاد زنان این مناطق به ایزدبانو یا روح بزرگیست که در هنگام بارداری حمایتشان می‌کند.

بهست (تصویر ۷۰) ایزدبانوی است که مردمان سودان می‌پرستیده‌اند. **ناسی‌له‌له** خدابانوی مردمان مالوزی است که وقتی ماه در هلال است او را ستایش می‌کنند. **آتائی** ایزدبانوی مردمان ئه‌فیک است. **سانسوس** طبق اسطوره مردم ئیس، خدابانوی ماه و همسر خورشید است [۳۰، ص ۲۶۱ - ۲۶۰]. در اساطیر فون‌های داهومی مادر آغازین **نانابولوکو** جهان را می‌آفریند و نخستین زوج ماؤو (ماه) و لیسا (خورشید) از او زاده می‌شوند [۲۸، ص ۲۶]. در اساطیر مردمان دوگون در سودان غربی مادرزمین است که تمامی موجودات نخستین را به دنیا می‌آورد [۲۸ ص ۳۱]. آنها تندیس‌هایی برای تمنای باران دارند که در انبارهای غله نگهداری می‌کنند و بدان فدیه می‌دهند (تصویر ۷۱، ص ۱۲۹). در اسطوره پیدایی آتش پیغمبهای جنگل کنگو نیز سخن از یک مادر خدا به میان می‌آید [۲۸، ص ۳۹]. **شیلوک**‌های نیل علیا در سودان خالق همه موجودات رودزی را یک تمساح - زن می‌دانند و به او فدیه و قربانی می‌دهند. آنها او را پاسدار تولد و حامی نوزادان می‌دانند [۲۸، ص ۶۳ - ۶۲]. نزد قوم نیجاو زن باردار از احترامی ویژه برخوردار است. آنان دیدگان زن باردار را جایگاه امن و احترام می‌دانند [۳۰، ص ۳۰۲]. بغانوی زمین نزد مردمان ایبو در نیجریه شرقی آلا نام دارد. او خاستگاه درستی و راستی و حامی کشاورزی و خرمن است. او مادر عنایت‌کننده پریاری و حاصلخیزی خاک و مردمان است و تندیس‌های سفالی او را در معابد ویژه اش قرار می‌دهند [۲۸، ص ۲۷]. **مجاجی** ملکه باران‌بخشی قبیله بانتو است. او آورنده باران به هنگام خشکسالی و ناظر چرخه مساعد فضول در طی سال است [۲۸، ص ۱۹۵].

۱۱ - مصر

نامورترین ایزدبانوی مصری را باید **ایزیس** - به معنای آنکه می‌گرید - دانست (تصویر ۷۲) [۸، ص ۱۵۵]. او فرزند نوت (آسمان) و جب (زمین)، همسر او زیرپس (خدای خورشید غارب) و مادر هورووس (خدای خورشید طالع) است. مشهورترین داستان مرتبط با ایزیس که از مهمترین بخش‌های دین مصریست: اسطوره کشته شدن او زیرپس و سفر طولانی ایزیس در امتداد نیل به دنبال



ناشی از خدای مادر است، بحث می‌کند. شعراء و دانشمندانی چون تاگور و راماکریشنا شکتی را همان مایا می‌دانند که در اوپیانیشادها به معنای حقیقت نهایی است [۳، ص ۸۰]. پیروان این آیین نیروی مادینه را که مبدأ رویش و زایش است نیایش می‌کنند [۳، ص ۲۱۰].

در ریگ ودا، خدایانوی بزرگ زمین پریتیوی ماتار
ستایش می‌شود [۳، ص ۱۳۵]. **اوشس** دختر سپیدهدم و ایزدبانوی اثیر، [۸، ص ۱۳۵]. دوشیزه‌ای جوان است که با جامه سپید بر فراز ارابه نشسته و اسبان خالدار او را حمل می‌کنند [۳، ص ۱۳۷]. **آدیتی** خدایانوی ودایی فضا، (به معنی نامحدود یا بی‌نهایت) گاه با پدیده‌های دیگر از جمله خاک و طبیعت هم‌ذات می‌شود. نام او متراff از ارادیست و طبیعت او در هر پدیده‌ای از زندگی گسترده است؛ از این‌رو خدایانوی حاصلخیزی و گاه گاو کیهانی نیز خوانده است [۳، ص ۳۶]. **اما** ایزدبانوی غیر ودایی هندوست. او با گیاهانی که هنگام باران از بدنش می‌رویاند به موجودات غذا می‌رساند [۸، ص ۱۴۰]. برخی او را برگرفته از **اما** الهه مادر دراویدی دانسته‌اند [۳، ص ۲۱۳].

قدس‌ترین رودها نزد هندوان گنگ است که آن را مادر خطاب می‌کنند، [۳، ص ۲۷۸] و در قالب ایزدبانو **گنگا** خواهر پارواتی پرستش می‌کنند [۳، ص ۱۹۸]. **سرسوتی** نام دیگر رودخانه مهم هند و الهه منسوب بدان است. او ایزدبانوی هنرها نیز هست، در بسیاری از تندیس‌ها او را در حال نواختن سیتار می‌بینیم [۳، ص ۲۱۰]. **یمنا** (جمنا) نیز رودی مقدس است. الهه یمنا دختر خدای خورشید و خواهر ایزد مرگ (یاما) است [۳، ص ۲۱۶]. **یاکشی‌ها** (تصویر ۹۴) ایزدبانوان جنگل و ارواح مؤنث خاک هستند که پیکره‌های تراشیده از چوب یا سنگ آنها بر ستون معابد یا در دوسوی دروازه‌های ورودی نصب می‌شود (تصویر ۹۵) [۳، ص ۲۱۶].

لکشمی الهه زیبایی و نیکبختی و همسر ویشنو است [۴، ص ۶۴۷]. که در اسطوره کریشنا ابتدا در قالب **رادا** و سپس در قالب **روکمینی** آشکار می‌شود و در حمامه بزرگ هندوان رامایانا به صورت سیتا، همسر راما تجلی می‌یابد [۳، ص ۲۰۲].

۱۳- چین

در اساطیر چینی بعبانو **نوگوا** پس از هرج و مرج نخستین، آسمان را مرمت می‌کند و نظم را به جهان باز می‌گرداند. او در برابر طغیان

نام دیگر ایزدبانوان مصری چنین است: **سِخْمِت** (تصویر ۷۹) شیرسر خدایانوی ویرانگر خورشید [۳۲، ص ۱۲۲]، **سِشَات** کتابدار آسمانی [۳۲، ص ۱۳۵]، **نَخِيت** (تصویر ۸۰) کرکس - خدابانوی مصر علیا، [۱۰]. **نَيْت** (تصویر ۸۱) خدابانوی جنگ و شکار و پاسدار تابوت مردگان [۳۲، ص ۱۱۸]، **نَفَتِيس** خدابانوی خانه [۳۲، ص ۱۰۵]، **بُوتُو مَار** - خدابانوی مصر سفلی [۳۲، ص ۱۳۸]، **حَكْت** خدابانوی آبها به شکل وزغ [۳۲، ص ۱۶۶]، **سَاتِيس** خدابانوی یاوری و عشق جزیره اسوان [۳، ص ۱۶۸]، **بِسْت** (تصویر ۸۲) که از سودان به مصر آمد، با سر گربه که از زنان باردار در برابر ارواح خبیث حمایت می‌کرد [۳۲، ص ۲۰۶]. **سِلَكت** (تصویر ۸۳) عقرب - خدابانوی باروری و از پاسداران دروازه‌های جهان زیرین [۳۲، ص ۱۸۸]، **مِسْخِنْت** (تصویر ۸۴) خدابانوی زایش کودکان که به هر کودک، کا (روح) اعطای می‌کند [۱۰]، **رَنْت** خدابانوی پرستاری که بر شیر خوردن کودکان نظارت داشت [۳۲، ص ۱۷۶] و **مَاعَتْ** (تصویر ۸۵) خدابانوی حقیقت، دادگری و نماد نظم خدایی [۳۲، ص ۱۷۷].

۱۲- هند

در کاوش‌های موهنجودارو تعدادی پیکره سفالین الهه مادر (تصویر ۸۶) و یک تندیس مسی از دختر برهنه‌ای در حال رقص (تصویر ۸۷) به دست آمده است [۳، ص ۳۳-۷]. در اویین‌های ساکن هند پیکره‌هایی برای الهه مادر می‌ساختند که بعدها توسط آریاییان فاتح نیز مورد پرستش قرار گرفت [۳، ص ۲۴]. بر روی یک تندیس زرین از سده ۷ ق.م. که در ناحیه لوریا یافت شده، نقش الهه زمین دیده می‌شود (تصویر ۸۸) [۳، ص ۳۵]. و از بساره سفالینه‌ای با نقش یک ایزدبانوی بالدار به دست آمده است (تصویر ۸۹) [۳، ص ۴۰].

در نواحی مختلف هند همسران شیوا نامهای گوناگونی دارند: **پارواتی** (کوهنورد) (تصویر ۹۰)، **کالی** (سیاه) (تصویر ۹۱)، **دورگا** (صرف ناشدنی) (تصویر ۹۲)، **چاندی** (وحشی) و... [۳، ص ۲۷۹]. این ایزدبانوان در سرزمینهای مجاور هند چون نپال نیز پرستش می‌شوند (تصویر ۹۳). سویه مادینه شیوا، هم مادر است و هم عروس ویرانی و مرگ؛ هم مهریان و هم ستم‌پیشه؛ هم تبسم می‌کند و هم می‌کشد [۳۴، ص ۷۲۷]. پرستش شکتی (نیروی زنانه) در شمال شرقی هند به صورت مذهب مستقل شاکتیزم درآمد. نوع دست راست این مذهب، از قوای مفید و سودبخش طبیعت که

۱۵- قاره‌ی آمریکا

در قاره‌ی آمریکا آثار دینی - آیینی با پیکره‌های زنانه سفالین شروع شده است که شاید نماد حاصلخیزی و باروری بوده‌اند و آنها را قربانی خدایان کرده‌اند تا نظر لطف و مرحمت آنان را جلب کنند. زیرا پیکره‌ها را شکسته یا دور انداخته‌اند [۳۷، ص ۱۲]. از ویژگی‌های فرهنگ‌های باستانی واقع در ایالت مکزیکو (ساکاتنکو و تیکومان) پیکره‌هایی است که زنان برهمه را می‌نمایاند که بعضی از آنها کودکانی در آغوش دارند. این پیکره‌ها را هنگام زراعت در مزارع خاک می‌کردند [۳۷، ص ۲۳]. احتمالاً این تندیس‌ها با طالسم‌هایی که به هنگام آیین‌های باروری استفاده می‌شده مرتبط بوده‌اند [۳۸، ص ۱۹]. مجسمه‌های بسیاری در تلاتیلکو از زنان برهمه یافته شده است. گویا دسته‌ای از آنها در حال رقصند و در بغل دیگران کودکی دیده می‌شود. بعضی نیز دو سر دارند (تصویر ۱۰۳، ص ۲۸). تندیس عظیمی از ایزدبانوی آب تولتکها در دره تئوتی اوکان یافته شده است (تصویر ۱۰۴) [۳۷، ص ۶۲]. از قوم توتوناک تعدادی پیکره‌های سفالین و میان‌تهی یافت شده که زنان را بیشتر به صورت ایستاده و با دامن نمایش داده‌اند [۳۷، ص ۷۵].

شکل کهن و بومی ایزدبانو در دره مکزیک و بهویژه برای تولتکها، سیواکوآتل (مار مؤنث) (تصویر ۱۰۵) بود. وی همتای مؤنث ایزد آتش بود و در مقام ایزد مادر به صورت بت‌های کوچک سفالین با کودکی در آغوش نمایانده شده است [۳۷، ص ۱۶۸]. او حامی روح زنانی است که به هنگام زایمان مرده‌اند [۳۷، ص ۱۸۸]. تلاسولشتول (تصویر ۱۰۶) برای قوم اوآستک ایزدبانوی زندگی‌بخش زمین، باروری، حاصلخیزی و لذت جسمانی بوده است که تندیس‌های بزرگی از او می‌ساختند (تصویر ۱۰۷). وی در ارتباط با زمین و ماه است، که مانند ماه از تمام مراحل زندگی یک زن می‌گذرد و به همین دلیل تجسم جوانی، باروری، پیری و مرگ است [۳۷، ص ۸۲]. ساحل خلیج را موطن وی می‌دانند. او برای آرتکها به ایزدبانوی زایش و حافظه زنان بدل شد [۳۷، ص ۱۷۵]. دیگر ایزدبانوی این قوم شاراچانگا است که بسان ایزدبانوی زمین بارداری، زایش و فراوانی محصولات را تجسم می‌بخشد. وی دارای حمام‌های بخار بود که زنان باردار برای راحت‌تر زادن از آنها استفاده می‌کرندن [۳۷، ص ۹۰].

برای آرتکها کوآتلیکوئه ایزدبانویی با پنج مظہر مختلف است که به چهار جهت اصلی زمین و مرکز آن اشاره دارد. او مادر خدای بزرگ کتسالکوآتل دانسته شده است [۳۷، ص ۱۵۶]. او در

رودها و دریاها سد می‌زند. نخستین انسان را نوگوآ از گل زرد می‌آفریند. سپس طنابی در گل فرو می‌برد و با قطراتی که از آن فرو می‌چکند انسانهای بعدی آفریده می‌شوند [۳۵، ص ۸۲]. **کوآن‌بین** (تصویر ۹۶) ایزدبانویی است که از قحطی میان انسان‌ها غمگین می‌شود. او دانه برنج را به زمین آورد و گاو شخم زنی را نیز برای باری انسانها از آسمان به زمین فرستاد [۳۵، ص ۱۱۸]. او از درون نیلوفر آبی (تصویر ۹۷) هستی می‌باشد [۳۵، ص ۱۷۷]. و از شیر اوست که خوش‌های برنج بارور می‌شوند [۳۵، ص ۱۵۳]. **فِنگ‌هوانگ** (ققنوس) (تصویر ۹۸) که از آتش است، به باور چینیان در بردارنده عنصر مادیه جهان (بین) و نماد ملکه است [۳۵، ص ۶۸]. **هنگ‌ؤ** (تصویر ۹۹) بگبانوی ماه است [۳۵، ص ۱۹۳].

۱۴- ژاپن

اما تراسو خدایانوی خورشید در اساطیر ژاپنی است. لقب او **اومی کامی** است و معبد بزرگ او در ایسه واقع شده است. او حامی آدمیان است، خدایانوی نیکخواه که قرص خورشید را به صورت آینه‌ای در دست دارد [۸، ص ۸۹]. او مسئول باروری و فرمانروای خدایان و جهان هستی است [۴، ص ۷۱۹]. **ایزانامی** ایزدبانوی ژاپنیست که با ایزانانگی زوج خالق را تشکیل می‌دهند. او مادر زمین است. ایزانانگی نیز برای بازگرداندن ایزانامی به بزرخ می‌رود اما موفق نمی‌شود [۴، ص ۱۵۴]. این داستان، پیوندی آشکار با اساطیر چرخش فصول شرق میانه دارد. **تسوکی یومی** الهه ما، دختر ایزانانگی و خواهر آماتراسو است [۳، ص ۴۲۴]. **پیتن** (تصویر ۱۰۰) حامی ادبیات و موسیقی و پدیدآورنده ثروت و شادیست. او شیفته نواختن ساز بیوا است [۳۶، ص ۲۱۵]. او خدایانوی دریا و یکی از هفت خدای خوشبختی است [۸، ص ۲۱۸]. **کیشی جوتون** (تصویر ۱۰۱) یکی دیگر از خدایانوان خوشبختی است [۳۶، ص ۳۱]. او **که‌موچی** خدایانوی تعذیه است که از سر او اسیان و گاوان، از بازوانش کرم ابریشم، از پیشانیش ارزن و از معده او برنج پدید آمده است [۳۶، ص ۲۳]. دیگر ایزدبانوی محظوظ ژاپنی‌ها **کوآن نون** (تصویر ۱۰۲)، خدایانوی رحمت و حامی کودکان و زنان باردار است. او را به هیاتهای گوناگون؛ از جمله با هفده چهره و تعداد زیادی دست، نشان می‌دهند [۳۶، ص ۹۱].



لنای سیری آجیسیت را مادر خدایان می‌دانند. معنای نام او زاینده و حیاتبخش است. آجیسیت هنگام تولد هر کودک روح را در بدن وی جاری می‌سازد [۱۰]. در اساطیر گرینلند مالینا خدابانوی خورشید است [۱۰]. در اساطیر مردمان اسکیموی اینویت که در آلاسکا و سیری ساکنند نیز خدابانوی بسیاری به چشم می‌خورند. **آکولوجوسی** مادرخدای آفریننده است. پوکینگاک ایزدبانوی کودکان، باروری و تولد است. آکنا نیز با باروری ارتباط دارد. آسیاک خدابانوی هوا و پینگا الهه پژشکیست. **توتگا** ایزدبانویست که در کلبه‌ای سنگی زندگی می‌کند و قدرت راه رفتن بر روی آب را دارد. **آلانرک الهه** است که بر جزر و مد و امواج نظارت دارد و **کادلو** خدابانوی تندر است. برخی از این ایزدبانوان بر شکار نظارت دارند. **آرناکوآگساک** (بانوی پیر دریا) (تصویر ۱۱۶) در گرینلند به صیادان کمک می‌کند تا صید زیادتری بگیرند و مردم را سلامت نگه می‌دارد. او در کانادا **سدنا** (تصویر ۱۱۷) و در آلاسکا **نریویک** (تصویر ۱۱۸) نامیده می‌شود. **نوجالیک** ایزدبانویست که بر شکار حیوانات زمینی نظارت دارد. گوزن شمالی (کاریبو) غذایی بسیار مهم برای اینویت‌ها است که الهه محافظ او را **مادر کاریبو** می‌نامند [۳۹، صص ۱۱-۱۶].

۱۷ - نتیجه گیری

برای جوامع شکارورز، دامپرور و بزرگ پیش از تاریخ، گرسنه ماندن بر اثر خشکسالی و قحطی و نابودی کشت و رمه، هراسی بزرگ به حساب می‌آمده است. نازایی و داشتن فرزندان کم‌شمار نیز به سبب نیاز خانواده به زور بازوی اعضا‌یاش، کاستی بزرگی بود که می‌توانست به تولید محصولی اندک، یا شکست از دشمنان منجر گردد. از این‌رو نیروهایی که باروری و حاصلخیزی را تضمین می‌کردند؛ در قالب خدایانوان مادر، بیشترین ارج و احترام را نزد این مردمان داشته‌اند، به گونه‌ای که پرستش مادرخدایان در اغلب نواحی زمین و برای دورانی طولانی رواج داشته است. این ساختار مادرمرکز می‌توانسته است به سبب مادرشاهی در جوامع پیش از تاریخ باشد که برای اثبات آن نیاز به دانسته‌های بیشتر است.

تندیسی با دامنی از مارها و پنجه‌های حیوانات شکاری نشان داده شده و از گردن او دو جوی خون بیرون زده که به مار بدل شده‌اند (تصویر ۱۰۸) [۳۷، ص ۱۷۱]. **چالچیوتیکوئه** (دامن بشم) (تصویر ۱۰۹) ایزدبانوی آب و دریاست [۳۷، ص ۱۶۹]. قبایل کهنه‌تر ناوا او را با **نشوچیکتسال** (گل گرانبهای) ایزدبانوی عشق و گلهای یکی می‌دانند [۳۷، ص ۱۷۰]. او مظهر زیبایی، حامی کارهای خانه و حافظ زنانی بود که با جنگجویان می‌زیستند [۳۷، ص ۱۷۹]. **ستنه توئل** (تصویر ۱۱۰) ایزد ذرت بود. او به شکل زنی در دوران‌های مختلف زندگی تصویر می‌شد که مراحل رشد ذرت را نشان می‌داد [۳۷، ص ۱۷۷]. **مایاول** (تصویر ۱۱۱) ایزدبانوی است که با چهارصد پستان، چهارصد فرزندش را که اقوام مختلف بودند شیر می‌داد [۳۷، ص ۱۸۰]. **کویلشاوکی** (تصویر ۱۱۲) ایزدبانوی ماه، تاریکی و شب بوده است [۳۷، ص ۱۸۵]. در یوکاتان ایزدبانوی ماه را **ایشچل** (تصویر ۱۱۳) می‌نامیدند که ایزد زایش و درمان‌گری نیز به شمار می‌رفت. برای او جشنی در مقام ایزدبانوی درمانگری برپا می‌کردند و روز قبل از جشن، رقصی به نام «رقص ماه» انجام می‌شد. او حامی زنان بود، با دریاچه‌ها، چشمه‌ها و مخازن آب زیرزمینی قرابت داشت و مادر ما، مادر مقدس، مادر بزرگ و مشوقه نامیده می‌شد. او همچینین سرور تولد و صنایع دستی زنانه (مثل بافندگی) بود [۳۷، ص ۲۵۶].

ایشچل در اساطیر مایا، خدایانوی آبهای، زایمان، پزشکی، بافندگی و مظهر ماه است که به شکل پیروزی با چنبره ماری بر سر تصویر می‌شد. **ایستاب** خدایانوی مایایی بهدار آویختگان، [۸، ص ۱۵۶]. **ایسکاکائو** خدایانوی کاکائو، **ایسکانیل** مسئول خرمن‌ها [۸، ص ۱۵۷]. و **ایسکوئیک** ایزدبانوی استغفار و باکره عالم زیر زمین بود [۸، ص ۱۵۸]. **هاآومهآ** در اساطیر هاوایی خدابانوی باروری و تولد است. او ساحره‌ای نیرومند است که به تمامی موجودات حیات می‌بخشد [۱۰]. هیناین آتشین، در هاوایی الهه بافنده الیاف گیاهی و حامی کارهای زنانه است [۴، ص ۷۶۳]. در پورتوریکو نیز نقش خدابانو **آتاپیرا** (تصویر ۱۱۴) بر روی سنگ‌های بزرگ تصویر می‌شده است [۱۰].

۱۶ - سرزمین‌های شمالی

تندیس خدابانوی از دوره پالئولیک در غاری در مالاتا نزدیک دریاچه بایکال سیری به دست آمده که به نام ونوس مالاتا (تصویر ۱۱۵) مشهور است [۱۰]. مردمان یاکوت در کنار رودخانه



۵. ایشتار - ماري -
حدود ۲۴۰۰ تا ۲۵۰۰ ق.م. -
[۹]



۶. ایشتار -
کلکسیون نرمان کولوبل - [۴۱]



۷. اینانا -
[۴۰]



۸. آنوبانی ش در برابر اینانا -
سر برل ذهاب - [۴۲] ص ۵



۹. کشته شدن تیامت
به دست مردیخ -
[۲۸۳] ص ۸



۱۰.
۱۱. آلهه راه -
فلسطین -
سده های ۱۰ تا ۷ ق.م. - [۴۲]



۹. آلهه باروری - حلف -
حدود ۵۱۰۰ تا ۶۰۰۰ ق.م. - [۹]



۸. آلهه باروری - حسونا -
حدود ۶۰۰۰ ق.م. - [۱۲]



۷. تین لیل -
[۱۰]



۱۰. ایشتار - تل برسبب -
سده ۸ ق.م. - [۹]



۱۱. سیدوری -
سده ۸ ق.م. - [۴۰]



۱۲. مامی - بابل -
[۱۰]



۱۳. آلهه باروری -
ماری - [۴۱] ص ۱۱



۱۴. نیک کال - اوگاریت -
سده های ۱۴ تا ۱۳ ق.م. - [۹] ص ۱۱



۱۵. جام - اوگاریت - سده
های ۱۴ تا ۱۳ ق.م. - [۹]



۱۶.



۱۷. باتوی تریکو مو -
قبرس - سده ۶ ق.م. -
[۱۶۵] ص ۱۹



۱۸. آلهه باروری -
قبرس -
هزاره ۴ تا ۳ ق.م. -
[۱۸]



۱۹. آلهه باروری -
جلل هویوک -
[۴۰]



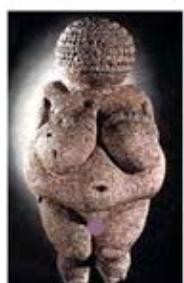
۲۰. آلهه باروری -
جلل هویوک -
[۵۴]



۲۱. آلهه باروری -
جلل هویوک -
[۵۴] ص ۱۳۶



۲۲. الات -
خانسر، سوریه -
سده ۱ ق.م. - [۴۰]



۲۷. ونوس ویندوف -
[۳۸، ۱۴]



۲۶. الهة باروی - لاسال
دردنی - [۴۳]



۲۵. سکه با نقش الهة باروی -
کارناز - [۲۱]



۲۴



۲۳ و ۲۴. ونوس مانا -
موزه ملی مالت - [۱۲] ۲۲۰۰ ق.م -



۲۵



۲۶. الاهگان
ماری - کوت - [۱۰]



۲۷



۲۹. ۳۰. بنتهای سیکلادیک -
[۴۳] ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م -



۲۸. ونوس باراسمیوی -
[۱۰]



۲۹. ونوس لیپوز -
[۱۰]



۳۹. نقاشی دیواری هرا -
[۴۵]



۳۸. سکه با نقش هرا -
[۴۵]



۳۷. گایا -
سده ۷ ق.م - [۱۲]



۳۶. مادر و کودک -
تاتاگرا، یونان -
[۲] ۵۵. سده های
مینوس - سده های
[۱۵] ۱۶ ق.م -



۳۵. الهه ماری -
مینوس - سده های
[۱۰] ۱۶ ق.م -



۳۴



۴۱. آرتمیس -
[۴۱]



۴۲. حمام آفروذیت -
[۴۲]



۴۳. آفروذیت
میلو - [۴۵]



۴۴. دیمتر و پرسیفون - سیرنه -
[۴۳]



۴۵. نقش هستیا
بر روی سفال -
[۴۵]







۹۸. فنگ هوانگ -
[۶۸، ص ۳۰]

۹۷. تولد کوآن بین -
[۱۵۳، ص ۳۰]

۹۶. کوآن بین -
[۴۵]

۹۵

۹۴ و ۹۵. یاکشی
[۴۱]

۹۳. کالی نپال -
[۱۰]

۹۲. دورگا -
[۱۰]



۱۰۵. سیواکوتل -
[۱۸۹، ص ۳۲]



۱۰۴. ایزدبانوی آب -
[۶۲، ص ۳۲]



۱۰۳. الهه دوسر -
[۲۴، ص ۳۲]



۱۰۲. کوآن نون -
[۹۱، ص ۳۱]



۱۰۱. کیشی جوتون -
[۳۱، ص ۳۱]



۱۰۰. پتن -
[۲۱۸، ص ۳۱]



۹۹. هنگ تو -
[۹۳، ص ۳۰]



۱۱۱. ماپاول -
[۱۸۱، ص ۳۲]



۱۱۰. سنته توعل -
[۱۷۸، ص ۳۲]



۱۰۹. چالچوتلکوئه -
[۷۰، ص ۳۲]



۱۰۸. کوآتلیکوئه -
[۷۲، ص ۳۲]



۱۰۷. تلاسوتوتول -
[۱۰]



۱۰۶. تلاسوتوتول -
[۱۷۷، ص ۳۲]



۱۱۸. نریوبیک -
[۱۰]



۱۱۷. ستنا -
[۱۰]



۱۱۶. اوناکواکساک -
[۱۰]



۱۱۵. ونوس
مالاتا - [۱۰]



۱۱۴. آتایبرما -
بورتوريکو - [۱۰]



۱۱۳. ایشجل -
[۲۰۷، ص ۳۲]



۱۱۲. کوبیشاوکی -
[۱۸۶، ص ۳۲]



- [۲۶] پیچ، ریموند یان؛ «اسطوره‌های اسکاندیناوی»؛ عباس مخبر؛ تهران: مرکز؛ ۱۳۷۷.
- [۲۷] گرین، میراندا جین؛ «اسطوره‌های سلتی»؛ عباس مخبر؛ تهران: مرکز؛ ۱۳۷۶.
- [۲۸] پاریندر، چنوفری؛ «اساطیر آفریقا»؛ باجلان فرخی؛ تهران: اساطیر؛ ۱۳۷۴.
- [۲۹] www.abaxion.com؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۱۰/۱۵.
- [۳۰] بایر، پولی؛ آفریقا؛ «اسطوره‌های آفرینش»؛ ژ. آ. صدیقی؛ تهران: عطایی؛ ۱۳۵۴.
- [۳۱] هارت، جرج؛ «اسطوره‌های مصری»؛ عباس مخبر؛ تهران: مرکز؛ ۱۳۷۴.
- [۳۲] ایونس، ورونیکا؛ «اساطیر مصر»؛ باجلان فرخی؛ تهران: اساطیر؛ ۱۳۷۵.
- [۳۳] کوماراسوآمی، آناندا؛ «مقدمه‌ای بر هنر هند»؛ امیر حسین ذکرگو؛ تهران: روزنه؛ ۱۳۸۲.
- [۳۴] دورانت، ویل؛ «تاریخ تمدن»؛ کتاب اول (مشرق زمین گاهواره تمدن)؛ بخش دوم؛ مهرداد مهرین؛ تهران: اقبال؛ ۱۳۳۷.
- [۳۵] کریستی، آنتونی؛ «اساطیر چین»؛ باجلان فرخی؛ تهران: اساطیر؛ ۱۳۷۳.
- [۳۶] پیگوت، ژولیت؛ «اساطیر ژاپن»؛ باجلان فرخی؛ تهران: اساطیر؛ ۱۳۷۳.
- [۳۷] کندری، مهران؛ «دین و اسطوره در امریکای وسطاً (بیش از کلمب)»؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛ ۱۳۷۲.
- [38] Bernal, I.; "Mexico before Cortez: Art; History and Legend"; NY: Anchor Books; 1975.
- [39] Condon, Richard & Ogina, Julia; "The Northern cooper Inuit"; Toronto: University of Toronto press; 1996.
www.ourworld.compuserve.com [۴۰]
. ۱۳۸۶/۹/۳
- . www.metahistory.org [۴۱]
. تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۱۱
- . www.bibleandpicture.com [۴۲]
. تاریخ بازدید:
. ۱۳۸۶/۹/۱۸
- . www.womanwisdom.com [۴۳]
. تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۱۱
- . www.ramblingroses.net [۴۴]
. تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۱۸
- . www.flicker.com [۴۵]
. تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۳
- [46] Capolavori d'arte nel mondo; Paris: "Edizioni Beatrice d'ests"; 1975.
www.africanetreasures.com [۴۷]
. تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۵
- . www.egyptian.museum.org [۴۸]
. تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۷

۱۸- منابع

- [۱] توینبی، آرنولد؛ «تاریخ تمدن»؛ یعقوب آزنده؛ تهران: مولی؛ چاپ اول؛ ۱۳۶۲.
- [۲] آزادگان، جمشید؛ «ادیان ابتدایی»؛ تهران: میراث ملل؛ ۱۳۷۲.
- [۳] ناس، جان بایر؛ «تاریخ جامع ادیان»؛ علی اصغر حکمت؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ چاپ سیزدهم؛ ۱۳۸۲.
- [۴] روزنبرگ، دونا؛ «اساطیر جهان؛ داستانها و حماسه‌ها»؛ عبدالحسین شریفیان؛ تهران: اساطیر؛ ۱۳۷۸.
- [۵] Bamberger, Joan; "The Myth of Matriarchy"; Stanford: Stanford University press; 1974.
- [۶] مک کال، هنریتا؛ «اسطوره‌های بین‌المللی»؛ عباس مخبر؛ تهران: مرکز؛ ۱۳۷۳.
- [۷] رحیمی، پریچهر؛ «تاریخ پوشک ایرانیان»؛ تهران: دانشگاه هنر؛ ۱۳۸۵.
- [۸] فضائلی، سودابه، «فرهنگ غرائب»؛ تهران: سازمان میراث فرهنگی؛ ۱۳۸۳.
- [۹] www.louvre.fr؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۱۰
- [۱۰] www.wikipedia.org؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۱۰/۱۴
- [۱۱] هوک؛ «ساموئل هنری»؛ اساطیر خاورمیانه؛ علی اصغر بهرامی و فرنگیس مزادپور؛ تهران: روشنگران؛ ۱۳۷۲.
- [۱۲] www.hocuspocus.co.uk؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۱۰/۱۵
- [۱۳] www.thebritishmuseum.ac.uk؛ تاریخ بازدید:
. ۱۳۸۶/۹/۸
- [۱۴] ضیاءپور، جلیل؛ «پوشک زنان ایران»؛ تهران: وزارت فرهنگ و هنر؛ ۱۳۴۷.
- [۱۵] Demange, Françoise; in Déesses: Imatges femenines de la Mediterrània de l a Prehistòria al món romà; Ajuntament de Barcelona; 2000.
- [۱۶] فیروزمندی، بهمن؛ «باسستان‌شناسی و هنر آسیای صغیر»؛ تهران: سمت؛ ۱۳۷۸.
- [۱۷] گاردنر، هلن؛ «هنر در گذر زمان»؛ محمد تقی فرامرزی؛ تهران: نگاه؛ چاپ دوم؛ ۱۳۷۰.
- [۱۸] www.metmuseum.org؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۶
- [۱۹] Hermary, Antoine; "Divinités chypriotes I"; in Report of the Department of Antiquities of Cyprus; Nicosia: Department of Antiquities; 1982.
www.carnaval.com [۲۰]
www.hobbyblog.blogspot.com [۲۱]
تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۶
- [۲۲] دورانت، ویل؛ «تاریخ تمدن»؛ کتاب دوم (یونان باستان)؛ فتح الله مجتبایی؛ تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی؛ چاپ دوم؛ ۱۳۷۶.
- [23] Tanagra. "Mythe et Archéologie; catalogue d' exposition"; Paris: Musée du Louvre; 2003.
- [۲۴] همیلتون، ادیت؛ «سیری در اساطیر یونان و رم»؛ عبدالحسین شریفیان؛ تهران: اساطیر؛ چاپ دوم؛ ۱۳۸۳.
- [25] Cornford, F. M; "Greek Religious Thought from Homer to the Age of Alexander"; London: J. M. Dent & Sons; 1923.